




RESEARCH ARTICLE

A Critical Analysis on the Management Discourses of Forests in Northern Iran

Beytollah Mahmoudi

Assistant Professor of Forest, Natural Resources and Earth Sciences, Shahr-e Kord University, Shahr-e Kord, Iran

Corresponding Author's Email: Mahmoudi@sku.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2023.91407>

Received: 21 June 2022
Accepted: 23 September 2022

ABSTRACT

The purpose of this study is to rethinking and formulates the different point of views proposed regarding the way to manage forests in the north of Iran by using the inductive qualitative content analysis method. In this regard, after identifying active activism institutions, the published propositions and narratives were extracted, and in the next step, the used themes were classified, and then the discourses governing the existing views were identified. Finally, a critical analysis of the discourses was done. The results showed that 6 activist organizations, including environmental nongovernmental organizations, media and newspapers, scientific associations, universities, natural resources research institutes, and executive and supervisory organizations are active in the field of northern forest management. In total, as a result of extracting the point of views of activists, 121 propositions, 13 themes and 3 management discourses were formulated, including: 1- preparation and implementation of an alternative plan in the framework of the forest breathing plan, 2- museum protection of the forest and 3- return to forestry plans. The first and second discourses were promoted in the environmental nongovernmental organizations, media and newspapers, and the creation of the third discourse was mainly nurtured by the activism institution of the university and to some extent the executive organization of the country's natural resources. Critical analysis shows that none of the three mentioned discourses are able to realistically interpret and explain the chaotic situation of forest management. What has been raised like a big shadow on the foundation of these three management discourses, It is a reductionist approach to the issue of forests and forestry in Iran. A problem that is not possible to understand without having a problematical understanding in the light of an interdisciplinary and transdisciplinary perspective.

Keywords: Forestry, Qualitative Content Analysis, Management Discourse, Activist Institution, Forests in Northern Iran.





مقاله پژوهشی

تحلیلی انتقادی بر گفتمان‌های مدیریتی جنگل‌های شمال ایران

بیت الله محمودی

استادیار علوم جنگل دانشگاه شهر کرد، شهر کرد، ایران

* رایانامه نویسنده مسئول: Mahmoudi@sku.ac.ir

doi <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2023.91407>

تاریخ دریافت: ۳۱ خرداد ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱ مهر ۱۴۰۱

چکیده

هدف از این مطالعه بازاندیشی و صورت‌بندی دیدگاه‌های مختلف طرح شده در خصوص نحوه مدیریت جنگل‌های شمال کشور با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی است. در این راستا پس از شناسایی نهادهای کنشگری فعال، گزاره‌ها و روایت‌های منتشر شده از سوی آنها استخراج و در مرحله بعد مضامین بکار رفته طبقه‌بندی و در ادامه گفتمان‌های حاکم بر دیدگاه‌های موجود مشخص شد. در نهایت تحلیلی انتقادی از گفتمان‌ها صورت پذیرفت. نتایج نشان داد شش نهاد کنشگری در حوزه مدیریت جنگل‌های شمال کنشگری کرده و حاصل استخراج دیدگاه‌های کنشگران در سه گفتمان مدیریتی شامل تدوین و اجرای طرح جایگزین در بستر طرح تنفس جنگل، حفاظت موزه ای از جنگل و بازگشت به طرح‌های جنگل‌داری صورت بندی شد. تحلیل انتقادی نشان می‌دهد که هیچ کدام از سه گفتمان یاد شده قادر نیستند وضعیت نابسامان مدیریت جنگل را واقع‌بینانه تفسیر و تشریح کنند.

واژگان کلیدی: جنگل‌داری، تحلیل محتوای کیفی، گفتمان مدیریتی، نهاد کنشگری، جنگل‌های شمال ایران.

مقدمه

با اینکه بیش از ۲۵۰ سال از ظهور بنیان‌های علمی و آکادمیک چگونگی برنامه‌ریزی و مدیریت اکوسیستم‌های جنگلی می‌گذرد (Agnoletti et al., 2009)، اما همچنان روند تخریب کمی و کیفی بخش عمده‌ای از جنگل‌های دنیا با شدت و گستره زیادی ادامه دارد. برآوردها نشان می‌دهد سالانه به طور متوسط بیش از ۱۰ میلیون هکتار از اراضی جنگلی دنیا از بین می‌رود (FAO, 2020). روند جنگل‌زدایی در کشورهای در حال توسعه به دلیل پایین بودن شاخص‌های رفاه، وابستگی معیشتی به جنگل و همچنین فشار اهرم‌های رشد و توسعه فعالیت‌های عمرانی، موجب تخریب سطوح وسیعی از جنگل‌های طبیعی واقع در این گروه از کشورها شده‌است (Kinda & Thiombiano, 2021). در همین راستا تغییر سیاست‌های برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل بر پایه پارادایم توسعه پایدار جنگل، به عنوان کلیدی‌ترین راهبرد تقلیل شدت تخریب جنگل‌ها و در نهایت حفاظت از زیستگاه‌های جنگلی به شمار می‌رود (Habert et al., 2010). نهادهای بین‌المللی به طور ویژه کشورهای در حال توسعه را به رعایت الگوهای توسعه پایدار و حفظ منابع جنگلی ترغیب می‌کنند و کاربست ترکیبی از نوآوری‌ها، سیاست‌های برنامه‌ریزی و مدیریتی، طرح‌های بهره‌وری کارآمد و تغییر در الگوی مصرف را برای بهبود شرایط موجود توصیه می‌نمایند (FAO, 2020).

تداوم حساسیت‌های سازمان‌های جهانی مرتبط با حفاظت از محیط زیست و جنگل برای کنترل عوامل تخریب و بهره‌برداری بهینه از ابتدای دهه ۹۰ میلادی به بعد باعث شد تا این حساسیت به سازمان‌های اجرایی دولتی، نهادها و مراکز آموزشی و پژوهشی و تشکل‌های مردم نهاد زیست‌محیطی نیز تزریق شود (Siry et al., 2005). و امروزه به فراوانی شاهد فراگیر شدن حساسیت‌های زیست‌محیطی ملی، ناحیه‌ای و حتی محلی در کشورهای دارای جنگل به خصوص کشورهای با پوشش کم جنگل همچون ایران هستیم. جنگل‌های ناحیه رویشی خزری که به نام جنگل‌های شمال کشور شناخته می‌شوند به دلایل متعدد اکولوژیک، جنگل‌شناختی، زیست‌محیطی و باستانی از ارزشمندترین اکوسیستم‌های جنگلی ایران و جهان به شمار می‌روند (Sagheb-Talebi et al. 2014) که دستخوش هجوم برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای از یک طرف و از طرفی دیگر بهره‌برداری ناپایدار چوبی شده‌اند. پیاده‌سازی بسیاری از پروژه‌های عمرانی کشور باعث از بین رفتن سطح وسیعی از منابع طبیعی و به خصوص اراضی جنگلی شده‌است. کاهش ۴۰۰ هزار هکتاری جنگل‌های هیرکانی طی ۶۰ سال اخیر و نرخ کاهش سالانه ۲/۵ درصدی جنگل‌های زاگرس بخشی از تبعات توسعه ناهمگون و ناپایدار در کشور است (Islamic Parliament Research Center. 2014؛ Mojabi. 2016: 52). نتایج تغییرات کاربری زمین در استان گلستان نشان داد که در دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۷، بیش از ۱۰۰ هزار هکتار از مساحت پهنه‌های جنگلی استان کاسته شده‌است (Kamyab & Asadolahi. 2021). بررسی‌ها نشان می‌دهد دام و بهره‌برداری چوبی، از مهم‌ترین عوامل تخریب جنگل‌های شمال کشور محسوب می‌شوند (جهانی و همکاران، ۱۴۰۰). برآورد وسعت طبیعی و اکولوژیک جنگل‌های استان مازندران و مقایسه با وسعت فعلی آن، نشان می‌دهد ۴۷/۶ درصد کاهش سطح جنگل رخ داده است (Mahmoudi et al. 2014). استمرار عوامل تخریب و عمق‌بخشی به ابعاد تخریب در این جنگل‌ها در کنار توصیه‌های بین‌المللی موجب شد تا حساسیت‌های ملی و ناحیه‌ای برای حفاظت از جنگل‌های هیرکانی در نهادهای مختلف کنشگری زیست‌محیطی جامعه از اوایل دهه ۹۰ شمسی رنگ تازه‌ای به خود گیرد و وارد مرحله جدیدی شود. حساسیت‌های زیست‌محیطی به طور بنیادینی کلیت شیوه مدیریت این جنگل‌ها را که توسط سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری اداره می‌شد را زیر سؤال برد و خواستار دادن استراحت و تنفس به جنگل و توقف اجرای طرح‌های جنگل‌داری و بهره‌برداری چوبی شد. این مطالبه بلاخره در ذیل بند ف ماده ۳۸ قانون برنامه ششم کشور توسعه، توسط مجلس شورای اسلامی قانونی می‌شود که طی آن اجرای طرح‌های جنگل‌داری متوقف و بنا شد تا طرح جایگزینی تدوین و اجرایی گردد. اگر چه قبل از تصویب قانون تنفس جنگل، دیدگاه‌های مخالف با آن توسط برخی کنشگران دانشگاهی طرح شده‌است، اما پس از تصویب و بروز پیامدهای این قانون، بر حجم تضاد و تقابل دیدگاه‌های مدیریتی مطلوب جنگل‌های شمال افزوده شد به گونه‌ای که فضای پرچالشی را متوجه شیوه مدیریت جنگل کرده‌است. در همین راستا ضرورت دارد تا با شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل این دیدگاه‌ها، درک روشن‌تری از فضای گفتمانی موجود کسب کرد. بنابراین مقاله تلاش دارد تا به این سوالات پاسخ دهد: ۱- چه نهادهای کنشگری در ارتباط با موضوع مدیریت جنگل‌های شمال طرح

دیدگاه دارند؟ ۲- روایت ها و دیدگاه های این نهادها چیست؟ و ۳- چگونه می توان این دیدگاهها را در قالب گفتمان های مدیریتی صورت بندی کرد؟ پاسخ به این سوالات از منظری بین رشته ای و بهره گیری روش تحلیل کیفی مورد توجه بوده است.

مبانی نظری پژوهش

چگونگی استفاده و بهره مندی از جنگل به مثابه یک منبع طبیعی برای رفع نیازهای مختلف بشری، تاریخی به درازای حیات بشر دارد. انسان همواره تلاش کرده است تا متناسب با نوع نیازی که از جنگل ها در برهه های مختلف داشته است، روش ها، تکنیک ها و ابزارهای مناسب آن را به کار گیرد (Von Gadow et al., 2001). روش ها و تکنیک هایی که به مرور به عنوان دانش مدیریت جنگل و در حالت تخصصی تر «جنگل داری» شناخته و به کار رفته است (Wenger, 1984). بررسی رویکردها و شیوه های بهره برداری از جنگل در جنگل داری، از زمان آغاز فعالیت های گسترده انسانی در جنگل تا کنون در سه طبقه کلان جنگل داری سنتی، جنگل داری کلاسیک و جنگلداری مدرن تقسیم بندی می شود (Mahmoudi, 2014). در جنگل داری سنتی، مدیریت و بهره برداری از جنگل از طریق شیوه های سنتی با هدف رفع نیازهای معیشتی خانوارهای جنگل نشین یا در مجاورت جنگل صورت می پذیرد، که به دو نوع جنگل داری روستایی و عشایری نیز تقسیم بندی می شود (Ma et al., 2012). در این نوع جنگل داری به ترتیب استفاده خوراکی از محصولات جنگلی، شکار جانوران جنگلی، اهلی کردن جانوران و چرای دام، کشت محصولات زراعی و در نهایت استفاده از محصولات چوبی و غیرچوبی جنگل مدنظر بوده است (Seeland & Schmithusen, 2000). برخلاف جنگل داری سنتی که رسالت آن تأمین معیشت است، در جنگل داری کلاسیک برداشت چوب تجاری محور مدیریت جنگل است. مبدأ و منشأ تفکر علمی تهیه و اجرای طرح های اولیه جنگل داری کلاسیک، اروپای مرکزی در قرن ۱۸ میلادی بود و بتدریج روش های تکاملی ارائه و به دیگر کشورها تسری یافت (Pearse, 1990). بطوریکه اولین طرح جنگل داری در آمریکا از سال ۱۹۰۵ و اولین طرح جنگل داری در ایران براساس قانون جنگل ها و مراتع مصوب ۱۳۳۸ (هـ ش) با کمک فرانسوی ها تهیه و به اجرا درآمد (Shamekhi, 2014). اجرای طرح های جنگل داری بر مبنای اصول برداشت مستمر و بهره برداری اقتصادی استوار است. به همین جهت برای اقتصادی کردن طرح و سهولت در مدیریت، گرایش به همسال کردن جنگل و تک کشتی در احیاء جنگلهای مخروبه با استفاده از گونه های سریع الرشد بومی و غیربومی و با هدف افزایش تولید متداول گردید. استفاده از اصول زراعی در جنگل داری، توسعه جنگل کاری و ایجاد جنگل، بهره برداری تجاری از چوب و تغییر ساختار جنگل از طریق تبدیل جنگل های آمیخته به خالص و جنگل های ناهمسال به همسال و در نهایت تبدیل جنگل های طبیعی به انسان ساخت، مهمترین شاخصه های جنگل داری کلاسیک هستند (Stoyan, 2000). در نتیجه اجرای روش های جنگل داری کلاسیک طی قرون گذشته و دست اندازی به ساختار طبیعی، ناهنجاری های اکولوژیک و زیست- محیطی زیادی در جنگل ها بروز کرد و به همین دلیل تغییر رویکرد در جنگل داری مورد توجه قرار گرفت. رویکردی که در آن توجه به همه مواهب جنگل و به حداقل رسانیدن آسیب به ساختار جنگل تحت عنوان جنگل دارن مدرن توسعه یافت (Sivaramakrishnan, 2021). در جنگل داری مدرن تأکید به اصول مدیریت پایدار جنگل و توجه همزمان به اکولوژی و اقتصاد در سایه بهره برداری چند منظوره از جنگل، محور فعالیت های مدیریتی جنگل شد. هر سه کلان روش جنگل داری سنتی، کلاسیک و مدرن امروزه در جنگل های مختلف در سطح دنیا اجرا می شوند. در کشور ما به جز سیمای ناقصی از جنگل داری سنتی که در جنگل های زاگرس شمالی دیده می شود، در دیگر رویشگاههای جنگلی این نوع جنگل داری رواج ندارد و آنچه هست بهره برداری غیر اصولی سنتی است که تخریب ساختار جنگل را به همراه داشته است. اما جنگل داری کلاسیک همانطور که اشاره شد از سال ۱۳۳۸ تا سال تصویب قانون تنفس جنگل یعنی ۱۳۹۶، در جنگل های شمال کشور رواج داشت. جنگل داری مدرن نیز اگر چه در سالهای اخیر در چند منطقه از جنگل های شمال با همکاری سازمان های بین المللی تهیه شد، اما هنوز به مرحله اجرا نرسیده است (Mahmoudi et al. 2020).

سابقه تحقیق

حیدی و کرم‌دوست مریان (۱۳۹۶) در پژوهشی راهبردهای برنامه‌ریزی بهره‌برداری پایدار و تنفس جنگل‌های شمال کشور را با تحلیل چهارگانه قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها تدوین کردند. نتایج نشان داد که ۷۳ درصد از جامعه آماری موافق بهره‌برداری از جنگل و ۲۷ درصد موافق برنامه تنفس جنگل بودند. راهبرد مدیریتی تهاجمی برای بهره‌برداری جنگل و راهبرد تدافعی برای تنفس جنگل تعیین شد. بنابر راهبرد تدافعی در برنامه تنفس جنگل، این برنامه باید متوقف یا اصلاح شود و برای تمام عامل‌های تخریب جنگل شامل حضور دام، حضور جوامع جنگل‌نشین، قاچاق چوب، تغییر کاربری جنگل به باغ و ویلا و بهره‌برداری غیراصولی، برنامه‌ریزی لازم انجام شود. شیرزادی لسکوکلایه و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود پیامدهای اقتصادی و اجتماعی بهره‌برداری چوبی در استان مازندران را مورد بررسی قرار دادند. از تجزیه و تحلیل یافته‌های این پژوهش، ۱۲ پیامد مثبت و ۸ پیامد منفی از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی برای بهره‌برداری چوبی جنگل استخراج شد که نتایج وزندهی آنها نشان داد پیامد مثبت ایجاد اشتغال و پیامد منفی هزینه‌های بهره‌برداری جنگل، بیشترین وزن را در میان سایر پیامدهای بهره‌برداری چوبی جنگل به خود اختصاص دادند. همچنین نتایج اولویت‌بندی پیامدها نشان داد که دیدگاه اقتصادی در هر دو پیامد بیشترین اولویت را دارد. این پژوهش بر لزوم توجه به پیامدهای مثبت و منفی اقتصادی بهره‌برداری چوبی جنگل در برنامه‌های مدیریتی تأکید دارد. شیرزادی لسکوکلایه و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به مطالعه نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید طرح‌های بهره‌برداری و ممنوعیت بهره‌برداری جنگل از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی در جنگل‌های مازندران پرداختند. مطابق نتایج این بررسی مهمترین قوت و فرصت بهره‌برداری جنگل کاهش قاچاق چوب و تامین نیازهای چوبی کشور و مهمترین ضعف و تهدید آن به ترتیب شامل هزینه‌های بهره‌برداری و نارضایتی دوستداران طبیعت بوده‌است. همچنین مهمترین قوت و فرصت ممنوعیت بهره‌برداری جنگل شامل افزایش ارزش اقتصادی خدمات محیط‌زیستی جنگل‌ها و گرایش به سمت زراعت چوب و مهمترین ضعف و تهدید آن به ترتیب کاهش اشتغال و افزایش قاچاق چوب ذکر شده‌است. مصطفی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خویش قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای اجرا و عدم اجرای برنامه‌های طرح جنگل‌داری در بابل‌رود استان مازندران را مورد بررسی قرار دادند. مطابق نتایج به دست آمده، مهم‌ترین قوت برای اجرا و عدم اجرای طرح به ترتیب تضمین بقای توده و عدم برداشت متمرکز و خارج از توان جنگل به دست آمد، درحالی‌که مهم‌ترین ضعف اجرا و عدم اجرای طرح به ترتیب تخریب خاک و سیستم هیدرولوژی موجود و تشدید تعرض به جنگل (قاچاق چوب، تغییر کاربری) شناخته شد. بیشتر جامعه آماری این پژوهش با توقف اجرای طرح‌های جنگل‌داری به دلیل بروز مشکلات اقتصادی و محیط‌زیستی مخالف بوده و توصیه به بازنگری روند موجود و نیز تدوین و استفاده از راهکارهای مدیریتی جایگزین می‌کنند. احراری و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان «پیش‌بینی زوال جاده‌های جنگلی با استفاده از زنجیره مارکوف (تحقیق موردی: جنگل غرب هراز)» به بررسی زوال جاده‌های جنگلی تحت تأثیر اجرای طرح تنفس جنگل پرداختند. نتایج نشان داد روند زوال جاده از کلاسه عالی به خوب از روند تغییر آن از کلاسه متوسط به ضعیف سریع‌تر است و با توجه به آنکه سرمایه‌های هنگفتی از مدیریت جنگل به ساخت و نگهداری از جاده اختصاص یافته است، لزوم تسریع در حفاظت و نگهداری از جاده به‌ویژه در جاده‌های باکیفیت توصیه می‌شود. Gutierrez Garzon و همکاران (۲۰۲۲) با تجزیه و تحلیل محتوای تعدادی از طرح‌های مدیریت جنگل در آمریکا، به بررسی تعهدات طرح‌ها به اصول جنگل‌داری پایدار پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که عبارات خاصی که عموماً با پایداری مرتبط هستند، در متن همه طرح‌های مدیریت جنگل نمونه‌برداری شده دیده نمی‌شود و لذا برنامه‌های مدیریت جنگل ممکن است فاقد برخی مؤلفه‌های گفتمانی باشند که در کمک به درک عمومی از برنامه‌ریزی مدیریت جنگل برای اثبات شواهد پایدار نگر داشتن جنگل نقش اساسی دارند. Torres-Rojo و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود به ارزیابی وضعیت مدیریت جنگل و جنگل‌داری در مکزیک اشاره داشتند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد مدیریت جنگل در مکزیک در فضای پیچیده‌ای از مسائل اکولوژیک، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فناوری قرار گرفته‌است. اگر چه اکثر شیوه‌های مدیریت جنگل در این کشور بر اساس اصول پایداری و همچنین مقررات کلاسیک اداره می‌شود، اما نتایج غیر منتظره‌ای را به همراه داشته است که به همین دلیل نیازمند تحولی چشم‌گیر در جنگل‌داری هستند. تحولی که باید شامل تأکید بیشتر بر جنگل‌داری مبتنی بر جامعه، در نظر گرفتن بازارهای محصولات و خدمات جنگلی و همچنین افزایش کلی تاب‌آوری،

ظرفیت یادگیری و انطباق با کاهش خطرات و آسیب‌پذیری جنگل‌ها و جوامع باشد. بررسی مطالعات انجام گرفته داخلی در خصوص وضعیت فعلی جنگل‌های شمال کشور نشان می‌دهد، مطالعات ذکر شده عموماً از چشم انداز کنشگران آکادمیک و دفاع از جنگل‌داری کلاسیک اجرا شده در جنگل‌های شمال بوده است و لذا نیاز به انجام پژوهش‌هایی مستقل نگر که تشریح‌کننده وضعیت واقعی مدیریت جنگل در کشور باشد احساس می‌شود که این مقاله در این مسیر طرح‌ریزی شده است. همچنین ارزیابی مطالعات مرتبط در خارج از کشور نیز مؤید این امر است که چالش مدیریت جنگل و اختلاف دیدگاه‌ها تنها مختص به ایران نیست و برخی دیگر از کشورها نیز با این مسئله روبرو هستند.

روش پژوهش

این پژوهش در پارادایم تحقیق کیفی و با کاربست روش تحلیل محتوای کیفی به انجام رسیده است. از آنجاکه در این تحقیق، دیدگاه‌های نظری، عملیاتی و مدیریتی کنشگران جنگل مورد تجزیه و تحلیل و واکاوی قرار می‌گیرد، لذا از شیوه مذکور بهره گرفته شد. با توجه به ابزاری که روش تحلیل محتوای کیفی در چارچوب رویکرد استقرایی آن در کشف معانی، نگرش‌ها و شیوه‌های درک موضوعی فراهم می‌سازد (Armat et al., 2018)، تلاش شد تا درک منسجم و عمیق‌تری از دیدگاه‌های حاکم بر فضای عمومی مدیریت جنگل‌های شمال ارائه شود. در همین راستا تحلیل یاد شده از داده‌های متنی مرتبط با موضوع حرکت می‌کند و با بیرون کشیدن مفاهیم و گزاره‌های مستتر در آن به تدریج به سطوح کلان و انتزاعی‌تری دست می‌یابد (تبریزی، ۱۳۹۳). در این مسیر برای درک جوانب مختلف دیدگاه‌های کلان شده (گفتمان)، از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی استفاده شده است. در مجموع مراحل انجام مطالعه گام‌های زیر است:

۱- شناسایی نهادهای کنشگری فعال در حوزه نقد و مطالبه‌گری شیوه مدیریت جنگل‌های شمال با استفاده از رویکرد غوطه‌وری در اخبار و نوشتارهای علمی و ترویجی (Elo & Kynga, 2008) و همچنین مصاحبه با فعالین این حوزه. در فرایند مصاحبه از رویکرد اشباع نظری اطلاعات کسب شده از مصاحبه استفاده شد (کلاکی، ۱۳۸۸). بدین منظور ۷ مصاحبه با فعالین و مطالبه‌گران انجام گرفت که از مصاحبه چهارم به بعد اطلاعات جدیدی به دست نیامد.

۲- شناسایی منابع اطلاعاتی و گردآوری دیدگاه‌های حوزه‌های کنشگری. مطابق نوع و حیطه فعالیتی هر حوزه کنشگری، منابع اطلاعاتی که دیدگاه‌های آنان را ترویج می‌دهد جمع‌آوری شد. این منابع شامل بیانیه و مکاتبه با مسئولان، مصاحبه با خبرگزاری‌ها، اظهارنظرهای کارشناسی، مقالات روزنامه‌ای، مقالات علمی منتشر شده در مجلات علمی و گزارش‌های سازمانی بوده است. در مجموع ۵ بیانیه و مکاتبه با مسئولان، ۲۱ مصاحبه با خبرگزاری‌ها، ۱۷ اظهارنظر کارشناسی، ۱۳ مقاله روزنامه‌ای، ۷ مقاله علمی و ۲ گزارش سازمانی که توسط نهادهای کنشگری منتشر شده بود جمع‌آوری شد.

۳- کدگذاری باز و استخراج گزاره‌ها از داده‌های متنی جمع‌آوری شده تا رسیدن به حد اشباع نظری. در این مرحله با استخراج گزاره‌ها از ۲ بیانیه و مکاتبه با مسئولان، ۴ مصاحبه با خبرگزاری‌ها، ۵ اظهارنظر کارشناسی، ۴ مقاله روزنامه‌ای، ۵ مقاله علمی و یک گزارش سازمانی، اشباع نظری حاصل شد.

۴- طبقه‌بندی گزاره‌ها در قالب مضامین و در نهایت معرفی گفتمان‌های مدیریتی

۵- ارزیابی و نقد گفتمان‌های مدیریتی

نقد گفتمان‌های شناسایی شده در این مطالعه، با استفاده از رویکرد کیفی تحلیل انتقادی گفتمان انجام شده که در آن، جایگاه هر گفتمان درون بافت و زمینه کلان‌تر بوجود آورنده آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۸). بدین منظور از طریق تشریح و تحلیل ابعاد شکل‌دهنده و جایگاه فکری و عملیاتی هر گفتمان، خاستگاه آن در افق کلان‌تری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این راستا، هسته مرکزی هر گفتمان در تناسب با واقعیت‌های موجود شرایط مدیریت جنگل‌های شمال کشور مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفت. نگاه انتقادی به مضامین گزاره‌های استخراج شده (Tenorio, 2011)، محور اصلی ارزیابی انتقادی بوده است. در این پژوهش برای محاسبه پایایی از روش هولستی استفاده شد (عابدی‌جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). در این روش متون در دو مرحله کدگذاری می‌شوند سپس با استفاده از رابطه زیر درصد توافق مشاهده شده محاسبه می‌شود.

$$PAO = 2M / (n1 + n2)$$

در این فرمول M تعداد توافق در دو مرحله کدگذاری، $n1$ تعداد واحدهای کدگذاری شده در مرحله اول و $n2$ تعداد واحدهای کدگذاری شده در مرحله دوم است. PAO درصد توافق مشاهده شده (ضریب پایایی) نیز عددی بین صفر (عدم توافق) و یک (توافق کامل) خواهد بود. ضریب توافق به دست آمده ۰/۷۹ بود که نشان‌دهنده توافق و همخوانی بالا و نیز ضریب پایایی مناسب است.

یافته‌های پژوهش

شناسایی نهادهای کنشگری

بررسی شناسایی کنشگران فعال در حوزه نقد، مطالبه‌گری و یا متولی‌گری فعالانه مدیریت جنگل‌های شمال، نشان می‌دهد ۶ نهاد یا حوزه کنشگری در این ارتباط فعالیت دارند (جدول ۱). هر کدام از این نهادها خود به ریزنهادهایی تقسیم می‌شوند که در مجموع بیش از ۷۰ مورد را تشکیل می‌دهند. تعداد کنشگران فعال و موثر در این نهادها، ۱۰۳ مورد تخمین زده شد.

استخراج گزاره‌ها، مضامین و معرفی گفتمان‌ها

استخراج مضامین در منابع اطلاعاتی منتشر شده توسط کنشگران در قالب سه گفتمان مدیریتی تقسیم‌بندی شد. جدول ۱، گزاره‌ها و مضامین گفتمان تدوین و اجرای طرح جایگزین در بستر طرح تنفس جنگل را نشان می‌دهد. مطابق این جدول در این گفتمان ۴۹ گزاره در قالب ۵ مضمون: ۱- شکل‌گیری ایده و قانون تنفس جنگل ۲- جایگاه عملکردی طرح تنفس جنگل ۳- نارسایی‌های جنگل‌شناختی طرح‌های جنگل‌داری ۴- ضعف‌های ساختاری طرح‌های جنگل‌داری و ۵- برنامه‌های اجرایی طرح تنفس جنگل تفکیک شده است. در جدول ۲ گزاره‌ها و مضامین گفتمان بازگشت به طرح‌های جنگل‌داری آمده است. در این گفتمان، ۵۶ گزاره در قالب ۴ مضمون: ۱- توصیف ماهیت طرح تنفس جنگل ۲- پیامدهای طرح تنفس جنگل ۳- کارکردهای طرح جنگل‌داری و ۴- مشکلات اجرایی و تشکیلاتی مدیریت جنگل‌ها طبقه‌بندی شده است. در جدول ۳ نیز گزاره‌ها و مضامین گفتمان لزوم حفاظت موزه‌ای از جنگل آورده شده است. در این گفتمان ۱۶ گزاره در قالب ۴ مضمون: ۱- اهمیت تنوع زیستی جنگل ۲- اهمیت فراملی جنگل ۳- جایگاه زیست باستانی جنگل و ۴- حفاظت بی قید و شرط از جنگل تفکیک شده است. در مجموع حاصل استخراج دیدگاه‌های کنشگران، ۳ گفتمان، ۱۳ مضمون و ۱۲۱ گزاره بوده است. در جدول ۴ نشان داده شده است که هر یک از مضامین و در نهایت گفتمان‌ها از دل دیدگاه‌های کدام نهادهای کنشگری مستخرج شده است و اینکه هر نهاد کنشگری در منابع منتشر شده خود به چه میزان (درصد) روی هر مضمون تأکید داشته است. مطابق این جدول، شکل‌گیری گفتمان تدوین و اجرای طرح جایگزین در بستر طرح تنفس جنگل و همچنین گفتمان حفاظت موزه‌ای از جنگل در دیدگاه‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در مرتبه اول (۱۰۰ درصد) و رسانه‌ها و جراید در مرتبه دوم (۷۵ درصد) رخ داده است. خلق گفتمان بازگشت به طرح‌های جنگل‌داری، ۷۵ درصد توسط دانشگاه و ۶۳ درصد توسط دستگاه‌های اجرایی و نظارتی صورت گرفته است.

جدول ۱ - نهادهای کنشگری فعال در مطالبه‌گری یا متولی‌گری مدیریت جنگل‌های شمال

تعداد کنشگران موثر	زیرنهاد کنشگری	نوع نهاد کنشگری
۳۲	دیدبان جنگل‌های هیرکانی- موسسه طنین طبیعت تبرکان- موسسه زیست محیطی اورس سبز- موسسه زیست محیطی	سازمان‌های مردم‌نهاد
	دوستداران سیاهکل- سازمان مردم‌نهاد طبیعت هیرکانیان- انجمن نبض زمین- جمعیت دوستداران زمین استان گلستان- موسسه دوستداران محیط زیست گنجه سبز- سازمان مردم‌نهاد کیمیا سبز- شبکه زیست محیطی و منابع طبیعی استان گلستان- شبکه زیست محیطی و منابع طبیعی استان مازندران- موسسه شمیم جنگل و ...	نهاد زیست محیطی
۱۸	روزنامه اعتماد- روزنامه ایران- روزنامه همشهری- روزنامه پیام ما- روزنامه شرق- روزنامه دنیای اقتصاد-	رسانه‌ها و جراید
	روزنامه خراسان- باشگاه خبرنگاران جوان- خبرگزاری زیست بوم- سلامت نیوز- خبرگزاری محیط زیست ایران، خبرگزاری تسنیم- خبرگزاری ایرنا- خبرگزاری ایسنا- خبرگزاری مهر- خبرگزاری آتیه- خبرگزاری	رسانه‌ها و جراید

	دانشجو- خبرگزاری زیست آنلاین- خبرگزاری تجارت نیوز- خبرگزاری خبرآنلاین- خبرگزاری موج- خبرگزاری قدس آنلاین- خبرگزاری برنا- خبرگزاری ایپانا- خبرگزاری ایلنا و ...	
انجمن های علمی	انجمن علمی جنگلبانی ایران- اتحادیه انجمن های علمی منابع طبیعی و محیط زیست- انجمن علمی دانشجویی جنگل داری دانشگاه تهران- انجمن علمی دانشجویی جنگل داری دانشگاه تربیت مدرس	۸
دانشگاه	دانشگاه تهران- دانشگاه تربیت مدرس- دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان- دانشگاه گیلان- دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری- دانشگاه محقق اردبیلی- دانشگاه لرستان- دانشگاه یاسوج- دانشگاه فردوسی مشهد- دانشگاه سمنان- دانشگاه کردستان- دانشگاه شهرکرد	۱۹
موسسات تحقیقات	موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور- سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان های گلستان، گیلان و مازندران	۵
منابع طبیعی	سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور، ادارات کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان های گلستان، گیلان و مازندران- سازمان حفاظت محیط زیست- ادارات کل حفاظت محیط زیست استان های گلستان، گیلان و مازندران	۲۱
دستگاه های اجرایی و نظارتی منابع طبیعی		

جدول ۲ - گزاره ها و مضامین گفتمان تدوین و اجرای طرح جایگزین در بستر طرح تنفس جنگل

مضامین	گزاره ها
شکل گیری ایده و قانون تنفس جنگل	ایده استراحت جنگل از اوایل دهه ۸۰ شمسی توسط دکتر جزیره ای مطرح شد- برنامه چهارم توسعه موضوع بهره برداری بر اساس تعدیل توان اکولوژیک و ضروریات جنگل است- بند ف ماده ۳۸ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه ضامن اجرای ایده تنفس است
جایگاه عملکردی طرح تنفس جنگل	طرح تنفس جنگل های شمال هم راستای طرح ملی شدن صنعت نفت است- طرح تنفس طرحی متری در نظام جنگل داری ایران است- طرح تنفس راهی برای جلوگیری از زیاده خواهی شرکت های بهره بردار بوده است- طرح تنفس ضرورتی غیر قابل انکار است و راهی جز پذیرش آن نیست- منظور از طرح تنفس مدیریت تهدیدها و کاهش فشارها بر روی اکوسیستم است- اجرای طرح تنفس در چین، ژاپن و اندونزی اجرا و موفقیت آمیز بوده است- طرح تنفس رهاسازی جنگل به حال خود نیست- بهره برداری از جنگل های طبیعی مفهومی ندارد: بهره برداری صرفا مختص جنگل های مصنوعی است- جنگل باید خود را بازسازی کند و پس از آن بهره برداری اصولی شروع شود- جنگل ۴ هزار فایده مندی دارند که چوب صرفا یکی از آنهاست- نگاه به جنگل نباید به مثابه بنگاه تولید چوب باشد- اجرای طرح تنفس جنگل قطعا در بهبود وضعیت جنگل های کشور تاثیر داشته است- طرح تنفس حداقل باعث شد که نگاه تولید چوب از روی جنگل ها برداشته شود و نگاه اقتصادی به نگاه اکولوژی و اکوسیستمی تغییر کند
آسیب های جنگل شناختی طرح های جنگل داری	تضعیف ساختار جنگل بر اثر عوامل فنی جنگل شناختی- تضعیف ساختار جنگل بر اثر عوامل بهره برداری و حمل و نقل در طرح های جنگل داری- تضعیف ساختار جنگل بر اثر عوامل بیرونی مستولی بر طرح های جنگل داری- شیوه های جنگل شناسی بکار رفته متناسب با وضعیت جنگل ها نبوده است- جنگل های شمال در مسیر انحطاط اکولوژیک قرار گرفته اند
نارسایی های ساختاری طرح های جنگل داری	ساختار اجرایی مدیریت طرح های جنگل داری متمرکز است- عدم نظارت موثر بر چگونگی اجرای طرح های جنگل داری- به ازای هر ۱۰ هزار هکتار جنگل تنها یک ناظر طرح وجود دارد- عدم امکان نظارت بر برخی شرکت های بهره بردار چوب با اسامی مقدس- اقتصاد جنگل باید بر پایه اقتصاد زیست محیطی بنا نهاده شود نه اقتصاد کلاسیک- الگو برداری ما از جنگل های اروپا اشتباه بوده است- طرح جنگل داری برای سالها بدون تغییر در حال اجرا بود- طرح جنگل داری از بستر بهره برداری به حفاظت نگاه می کند که باید برعکس باشد- طرح جنگل داری کمک به مافیای چوب در جنگل های شمال بوده است- طرح جنگل داری بیش از ۷ هزار کیلومتر جاده در جنگل ایجاد کرده که خارج از توان آن است- طرح جنگل داری، جنگل را به سمت زراعت چوب سوق داده بود- طرح جنگل داری قانونی شدن تخریب جنگل را به همراه داشته است- طرح جنگل داری چوب های جنگلی را بر اساس کیفیت اقتصادی آنها درجه بندی می کرد- طرح جنگل داری ارزش ذاتی عناصر جنگلی را به رسمیت نمی شناسد- طرح جنگل داری کمک به پوشش جنگلی برای رشد صرفا گونه های تجاری است- جنگل را نباید قربانی اشتغال کرد
برنامه های اجرایی طرح تنفس جنگل	در مدت تنفس، آمایش جنگل صورت می گیرد- لزوم تأکید بر استفاده چوبی از جنگلکاری ها و جنگل های نیمه جلگه ای- موضوع چرای دام در دوره استراحت باید حل شود- برای بازگشت به شرایط ماقبل تخریب به ۱۵۰ سال زمان نیاز داریم- برای حفظ جنگل های شمال باید هزینه های متناسب را اختصاص دهیم- در دوره تنفس باید گارد حفاظتی جنگل تقویت شود- باید به تن بیمار جنگل های شمال استراحت داد- در دوره استراحت مدیریت جنگل ها باید متحول شود- طرح تنفس تلنگری برای شکل گرفتن رویکردی جدید در مدیریت جنگل هاست- سازمان های مردم نهاد پشتیبان اجتماعی اجرای طرح تنفس هستند- طرح جایگزین طرحی بر مبنای حفاظت فنی جنگل خواهد بود- رویکرد مدیریت پایدار منابع طبیعی هیرکانی برای طرح جایگزین

جدول ۳ - گزاره‌ها و مضامین گفتمان بازگشت به طرح‌های جنگل‌داری

مضامین	گزاره‌ها
توصیف ماهیت طرح تنفس جنگل	برنامه تنفس به معنی رها کردن جنگل است و بازگشت به ابتدای دهه ۳۰- ایده تنفس یک هیجان پوپولیستی بیش نیست و بسیار زیان‌بار است- طرح تنفس نتیجه تحمیل نظر غیرمتخصصان بوده است- ارگان‌های دولتی دارای منفعت در امور جنگل دخالت می‌کنند- استراحت همیشه در پارسل‌های حفاظتی در جنگل‌داری وجود داشت و مبحث جدیدی نیست- برنامه استراحت جنگل هیچ گونه مبنای علمی و تجربه شده‌ای در جهان ندارد- مدافعان طرح استراحت جنگل «دلواپسان» جنگل هستند- جلب رضایت احساسی فعالان مدنی حوزه محیط زیست
پیامدهای طرح تنفس جنگل	طرح تنفس تنها حامی واقعی جنگل‌ها را از بین برده است- استراحت مطلق به جنگل به همان نسبت بهره برداری صرف از جنگل مخرب است- بهره برداری در قالب چوب‌های افتاده و شکسته غلط‌ترین کار ممکن در مدیریت جنگل است- تسهیلات به جای مانده طرح جنگل‌داری خود موجب تشدید قاچاق شده- تسهیلات و مستحقات جنگلی در اثر عدم نگهداری آسیب فراوان دیده‌اند- مدیریت جنگل‌های آموزشی و پژوهشی در اثر طرح تنفس مختل شده است- تقاضا برای ورود به رشته جنگل‌داری در مقاطع مختلف کاهش یافته است- طی برنامه تنفس، عوامل تخریب جنگل با شدت و حدت بیشتری تأثیرگذار بودند- کارخانجات صنایع خرد چوب همچنان فعالند: قاچاق تشدید یافته است- اختلال در عملیات پرورشی جنگل، پیر شدن آن و کاهش میزان رویش- حجم درختان باد افتاده زیاد شده و افزایش هم می‌باید- تعطیل شدن عملیات پرورشی در توده‌های جوان جنگلی- تعطیل شدن ارزیابی و پایش‌های دوره‌ای در طرح‌های تجدید نظر- طرح خروج دام از جنگل که حدود ۱ و نیم میلیون رأس تا سال ۹۵ انجام شد اکنون فراموش شد- ۳۰۰ هزار هکتار جنگل‌کاری در قالب طرح که نیازمند عملیات پرورشی اند رها شده است- ضعیف شدن عملیات قرق و محصورسازی محدود طرح‌ها (۸۰۰ هزار هکتار)- آسیب‌رسانی به ۴۷ هزار شغل مستقیم و غیر مستقیم ایجاد شده توسط طرح جنگل‌داری- سهولت واگذاری و تغییر کاربری جنگل پس از خارج شدن از قیومیت طرح- حذف اصطلاح اصیل «طرح جنگل‌داری» و تلاش برای ترویج طرح موهوم به نام جایگزین- تخریب پوشش‌های درختی در خارج از شمال کشور- بلاتکلیفی کارکنان و کارشناسان حوزه اجرایی- سازمان اداری و اجرایی مدیریت جنگل‌ها مختل شده است.
کارکردهای طرح جنگل‌داری	در طرح جنگل‌داری محوطه‌های برش برای سالها در استراحت هستند- طرح جنگل‌داری بدون برداشت چوب، دیگر طرح جنگل‌داری نیست- بهره برداری جنگل علاقه ما نیست، اجبار ماست- جنگلی که درآمد نداشته باشد هیچ طرح با دوامی در آن ممکن نیست- بهره برداری جنگل مترادف تخریب و جنگل‌تراشی که در ذهن عموم است نیست- طرح جنگل‌داری تخریب افسارگسیخته در جنگل‌های شمال را کنترل کرده است- جنگل‌داری بدون چوب، اصطلاح علمی و مفهومی علمی نیست- عدم عملیات پرورشی جنگل‌شناسی در بلند مدت آسیب فراوانی به جنگل وارد می‌سازد- میزان قاچاق چوب و تصرف جنگل در مناطق دارای طرح ۳ و ۱۰ برابر کمتر از خارج طرح جنگل‌داری است- اقتصاد متکی بر محصولات غیرچوبی پایداری لازم را ندارد- احیاء توده‌های جنگلی تنها بر اساس برش‌های جنگل‌شناسی امکان پذیر است- اقتصاد در جنگل‌داری باید درون‌زا باشد نه متکی به منابع دولتی- جنگل‌های شمال ایران توان بهره برداری چوبی را دارند- به چارچوب‌های طرح‌های جنگل‌داری باید وفادار بمانیم.
مشکلات اجرایی و تشکیلاتی مدیریت جنگل‌ها	مشکلات حاکم بر جنگل ارتباطی با طرح‌های جنگل‌داری ندارند- مقصر اصلی سازمان جنگل‌هاست که قادر نبوده است طرح‌ها را به درستی اجرا کند- شاه کلید مشکلات جنگل‌های ایران، ساختار و عملکرد سازمان جنگل‌هاست- سازمان جنگل‌های زیر مجموعه وزارت جهادکشاورزی از نظر ساختاری ناتوان است- هر چه سریع‌تر باید تشکیل وزارت منابع طبیعی محقق شود- شکاف عمیق بین کارشناسان برجسته و با تجربه سازمان با بدنه مدیریتی آن- پذیرش و تعجیل در اجرای برنامه تنفس توسط سازمان خیانت به جنگل بوده است- وضعیت نابسامان کنونی نتیجه عملکرد نامناسب و ضعیف این سازمان است- لزوم ارتقای جایگاه تشکیلاتی مدیریت منابع طبیعی کشور- نیازمند برنامه ملی جنگل هستیم- ناتوانی سازمان در امر حفاظت و تأمین بودجه مورد نیاز آن- چگونگی مدیریت جنگل‌ها بدیهی و واضح است فقط اجرا مشکل دارد.

جدول ۴ - گزاره‌ها و مضامین گفتمان حفاظت موزه‌ای از جنگل

مضامین	گزاره‌ها
اهمیت تنوع زیستی جنگل	بیش از ۳۲۰۰ گونه گیاهی در این جنگل‌ها واقع شده است - بیش از ۲۹۶ گونه پرنده و در حدود ۶۰۰ گونه پستاندار، ۶۷ گونه ماهی، ۲۹ گونه خزنده و ۱۵۰ گونه درختی و درختچه‌ای بومی
اهمیت فراملی جنگل	ثبت جهانی سایت‌هایی از جنگل‌های شمال در یونسکو نشانی از اهمیت فراملی این جنگل‌هاست- جنگل‌های هیرکانی ذخیره‌گاه ژنتیکی بسیار مهم در نیمکره شمالی به حساب می‌آید که باید حفظ شود- جنگل جلگه‌ای شمشاد خزری در هیچ جای دنیا وجود ندارد.
جایگاه زیست باستانی جنگل	جنگل‌های هیرکانی به عنوان عظیم‌ترین فسیل زنده دنیا- بسیاری از درختان همانند درخت انجیلی طی ۴۰۰ تا ۵۰۰ سال گذشته در اروپا از بین رفته‌اند این در حالی است که جنگل‌های شمال ایران مملو از این درخت بی‌نهایت زیبا هستند- باقی مانده دوران سوم زمین‌شناسی و عصر یخبندان
لزوم حفاظت بی قید و شرط از جنگل	جنگل‌های شمال به صورت موزه طبیعی باید نگهداری شوند- هر گونه استفاده از جنگل‌های شمال به جز اکوتوریسم محافظت شده و پژوهش‌های علمی ممنوع باشد- جنگل‌های شمال کشور قادرند سالانه ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون مترمکعب آب ذخیره کنند- در دهه ۱۳۳۰ مجموع رویشگاه‌های جنگلی ما در هیرکانی ۳/۵ میلیون هکتار اعلام شده بود- نیمی از جنگل‌های هیرکانی موجود هم جنگل‌های مخروطی‌اند و به شدت در آستانه فروپاشی قرار دارند- سرانه هکتار جنگلی که به ایرانیان تعلق می‌گیرد کمتر از ۱۷ صدم هکتار است- جنگل‌داری کلاسیک و قطع درختان و ایجاد مسکن، پیوندهای همزیستی بین واحدهای طبیعی و مستقل جنگل را برهم زده است- شرکت‌های خارجی برای سالها جنگل‌های شمال را غارت کرده‌اند.

جدول ۴ - درصد حضور گزاره‌های مضامین در دیدگاه‌های نهادهای کنشگری

گفتمان	مضامین	درصد حضور گزاره‌های مضامین نهادهای کنشگری			
		سازمان‌های مردم نهاد	رسانه جراید	انجمن علمی	دانشگاه
تدوین و اجرای طرح جایگزین در بستر طرح تنفس جنگل	شکل‌گیری ایده و قانون تنفس جنگل	۱۰۰	۷۵	۶۵	۲۵
	جایگاه عملکردی طرح تنفس جنگل	۱۰۰	۷۵	۴۵	۳۵
تدوین و اجرای طرح جایگزین در بستر طرح تنفس جنگل	آسیب‌های جنگل‌شناختی طرح‌های جنگل‌داری	۱۰۰	۷۵	۶۰	۴۰
	نارسایی‌های ساختاری طرح‌های جنگل‌داری	۱۰۰	۵۰	۶۰	۵۵
بازگشت به طرح‌های جنگل‌داری	برنامه‌های اجرایی طرح تنفس جنگل	۴۰	۳۰	۶۰	۳۵
	توصیف ماهیت طرح تنفس جنگل	۰	۲۰	۱۰	۷۵
بازگشت به طرح‌های جنگل‌داری	پیمادهای طرح تنفس جنگل	۰	۳۵	۱۵	۷۵
	کارکردهای طرح جنگل‌داری	۰	۱۰	۵	۶۵
حفاظت موزه‌ای از جنگل	مشکلات اجرایی و تشکیلاتی مدیریت جنگل	۸۰	۸۰	۸۵	۸۰
	اهمیت تنوع زیستی جنگل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
از جنگل	اهمیت فراملی جنگل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
	جایگاه زیست باستانی جنگل	۱۰۰	۱۰۰	۸۰	۹۰
	لزوم حفاظت بی‌قید و شرط از جنگل	۱۰۰	۷۰	۲۵	۵

نقد و ارزیابی گفتمان‌های مدیریتی

نقد گفتمان تدوین و اجرای طرح جایگزین در بستر طرح تنفس جنگل

آنچه گفتمان تدوین و اجرای طرح جایگزین در بستر طرح تنفس جنگل تأکید دارد، آن است که مدیریت جنگل‌های شمال کشور باید ضمن توقف طرح‌های جنگل‌داری، طرح جایگزینی که در آن مدیریت پایدار جنگل را تضمین می‌کند تدوین و اجرایی سازد. در واقع این گفتمان با برشمردن نارسایی‌ها و آسیب‌های ساختاری که طرح‌های جنگل‌داری بر جنگل‌های شمال تحمیل کرده‌اند، بیان می‌کند که تنها راه برون رفت از وضعیت نابسامان مدیریت جنگل، تدوین و اجرای طرحی است که ملاحظات پایداری جنگل را در سایه ممنوع کردن بهره‌برداری چوبی مهیا می‌سازد. با اینکه سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی و در پی آن رسانه‌ها و جراید به شدت مبلغ این گفتمان هستند، اما ریشه و منشأ این تفکر از نهاد کنشگری دانشگاه برخاسته است. جایی که در اوایل دهه ۸۰ توسط چهره ماندگار منابع طبیعی کشور دکتر محمدحسین جزیره‌ای و پس از دهه ۹۰ توسط دکتر محمدرضا مروی مهاجر استاد جنگل‌شناسی دانشگاه تهران به طور مداوم ترویج می‌شد. اینکه دو جنگل‌شناس مطرح کشور که سالها مدرس درس جنگل‌شناسی و پرورش جنگل در پرتو جنگل‌داری کلاسیک و بهره‌برداری چوبی، تلاش می‌کنند -بر خلاف آنچه در سرفصل‌های کلاسی آنها آمده است- تا روند کنترل تخریب جنگل‌ها توسط طرح‌های جنگل‌داری را متوقف کنند، نشان از نوعی خودانتقادی و جسارت آکادمیکی است که به شیوه‌های جنگل‌شناسی و در نهایت اجرای طرح‌های جنگل‌داری وارد می‌کردند. اما آنچه این خودانتقادی جنگل‌شناختی را عقیم نگه داشت، عدم تبدیل شدن آن به یک گفتمان علمی با پایه مستحکم نظری است. زیرا تنفس یا استراحت جنگلی که این دو استاد و بعدها برخی از شاگردان آنها ترویج می‌دادند نوعی گفتمان مدیریتی بود که پیوند آن با یک گفتمان علمی هرگز روشن نشد. به همین دلیل این طرح و یا به بیان واقعی‌تر ایده خام تنفس را به گفتمانی سطحی و هیجانی تقلیل داده‌است. گفتمانی که به مرور با هیجانانگیزی زیست‌محیطی کنشگران محیط‌زیست ادغام می‌شود و در نهایت نهاد سیاست‌توانسته بود از طریق قانون‌گذاری در ذیل ماده ۳۸ قانون برنامه ششم توسعه، آن را به تسخیر درآورد و بعد از مدتی به کلی رها و هیچ پشتیبانی از آن نداشته باشد. خلق گفتمان طرح تنفس نمونه‌ای بسیار عیان از عریان‌شدن نارسایی رویکرد انقلاب‌گونه در مدیریت منابع جنگلی کشور است. رویکردی است که همه آنچه در بیش از ۶۰ سال تجربه مدیریت جنگل در قالب طرح‌های جنگل‌داری بود را به یکباره نفی می‌کند تا ناگهان با طرحی

موهوم نابسامانی مدیریت جنگل‌های شمال را وارد دوره‌ای تازه کند که صدمات آن کمتر از قبل نخواهد بود. بی‌تردید اگر به جای نفی گذشته، نقد عملیات‌های مدیریتی گذشته در بستری علمی و واقع‌بینانه صورت می‌گرفت شاهد رخداد این گفتمان نبودیم.

نقد گفتمان بازگشت به طرح‌های جنگلداری

در گفتمان بازگشت به طرح‌های جنگلداری، ایده‌محوری این است که کنار گذاشتن طرح‌های جنگلداری خطای راهبردی بزرگی برای مدیریت جنگل‌های شمال است. زیرا اساساً مدیریت جنگل بدون داشتن طرح جنگلداری در عمل ممکن نیست و این امر موجب تخریب گسترده‌تر جنگل خواهد بود. همانطور که اشاره شد این گفتمان توسط برخی کنشگران نهاد دانشگاه و نهاد اجرایی منابع طبیعی کشور به خصوص مدیران و کارشناسان بازنشسته این سازمان ترویج داده می‌شود. آنها معتقدند طرح تنفس و در پی آن روشن نبودن چارچوب‌های فنی طرح جایگزین، زمینه‌ساز رهاسازی جنگل‌ها از ید مدیریت دولتی در قالب سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و فرصت‌سازی برای قاچاق فزاینده چوب و تغییر کاربری جنگل به سایر کاربری‌های عمرانی است. به طور خلاصه این گفتمان تأکید دارد که توقف طرح‌های جنگلداری باید هر چه سریعتر متوقف و اجرای طرح‌های جنگلداری مجدداً به چرخه مدیریت جنگل‌های شمال کشور بازگردد. آنچه بستر فکری این گفتمان را شکل داده است همان تفکر و روح جنگلداری کلاسیک است که علی‌رغم فراهم‌سازی شکل‌گیری گفتمان تنفس جنگل در لوای نارسایی‌های عدیده خود، حالا با نگاهی نوستالژیک و برگشت به عقب تلاش می‌کند تمام مشکلات فعلی مدیریت جنگل را متوجه توقف طرح‌های جنگلداری عنوان کند. علی‌رغم اینکه گفتمان تنفس نارسایی‌های اساسی فنی، جنگل‌شناختی، محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی طرح‌های جنگلداری را عریان ساخته بود، اما گفتمان بازگشت بدون توجه دقیق به این نارسایی‌ها، فرصت‌بازنگری و بازاندیشی طرح‌های جنگلداری را از کنشگران خود سلب کرده‌است. با گذشت بیش از ۴ سال از قانونی شدن طرح تنفس، هنوز هیچ مطالعه و یا گزارش نقادانه‌ای از سوی کنشگران گفتمان بازگشت در ارتباط با تدوین و اجرای طرح‌های جنگلداری انجام نشده‌است و حتی ضرورت انجام آن نیز احساس نمی‌شود. از خطاهای شناختی این گفتمان، بدیهی‌پنداری جنگلداری به مثابه یک امر کاملاً تخصصی و فنی است که صرفاً دانش آموختگان موافق آن حق اظهارنظر و تصمیم‌گیری دارند؛ غافل از اینکه جنگلداری و مدیریت جنگل بیش از آنکه امری تخصصی و رشته‌ای باشد، مسئله‌ای اجتماعی است که لازم است پیوند خود با سایر رشته‌های دانشگاهی و تحولات اجتماعی و زیست‌محیطی معاصر ما، بازتعریف و بازنمایی کند. نوعی عقب‌ماندگی معرفت‌شناختی در این گفتمان هویداست که قادر نیست پیوند ارگانیک خود را با تحولات روز منابع طبیعی و محیط‌زیست کشور فهم‌پذیر و سامان دهد. اساساً پرهیز از نقدورزی جدی و مستمر در فرایند علمی و عملی جنگلداری باعث خلق طرح تنفس شد. این وظیفه‌ای بود که نهاد دانشگاه و آموزش عالی جنگلداری کشور باید به آن می‌پرداخت اما محصور شدن متخصصان در پستوی کلاس‌های درس و نشر مقالات سیستم‌پسندانه و تمرکز استادان و دانشکده‌های منابع طبیعی بر منافع صنفی خویش، موجب شد تا امروز آموزش جنگلداری و به تبع آن تدوین و اجرای طرح‌های جنگلداری با نوعی ورشکستگی و بن‌بست روبرو باشند و تازه در این شرایط، این نهاد همه‌ناکارآمدی‌ها را متوجه امور تشکیلاتی و مدیریتی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور می‌داند. نکته حائز اهمیت مستتر در عمق این گفتمان، تسری همان نگاه انقلاب‌گونه‌ای است که اتفاقاً طرح تنفس را به وجود آورد و وضعیت موجود جنگلداری کشور را به رسمیت نشناخت. زیرا گفتمان بازگشت نیز همان رویه را دنبال می‌کند و با به رسمیت نشناختن و نفی وضع موجودی که حالا طرح تنفس را در خود دارد، می‌خواهد با رویکردی انقلابی، طرح‌های سابق را احیاء کند.

نقد گفتمان حفاظت موزه ای از جنگل

در گفتمان حفاظت موزه‌ای جنگل، نوعی از جنگلداری کاملاً حفاظتی و جنگل به مثابه موزه مطرح است که عنوان می‌کند به دلیل ارزش‌های زیستی، ژنتیکی و باستانی جنگل‌های شمال، هر گونه بهره‌برداری از ساختار این جنگل‌ها باید ممنوع باشد. بستر فکری این گفتمان که عمدتاً کنشگران سازمان‌های مردم‌نهاد روی آن تأکید دارند، بر محور نوعی از اکولوژی‌گرایی یا

اکولوژیسم استوار است که بیان می‌کند طبیعت زیستی جنگل باید مورد حمایت شدید برنامه‌های حفاظتی عمدتاً فیزیکی و غیرمداخله‌گر قرار گیرد تا استفاده از ارزش‌ها و خدمات غیربازاری آن به نحو موثری ممکن شود. گفتمان حفاظت موزه‌ای جنگل، نگاه بسیار آرمان‌گرایانه‌ای را به مدیریت جنگل دارد. نگاهی که تناسبی با واقعیت‌های موجود جنگل‌داری در کشور ندارد. جنگل‌داری در ایران به طور گسترده‌ای در هم تنیده با وابستگی‌های معیشتی و توسعه‌ای است که در عمل امکان اجرایی سازی چنین رویکردی را ندارد. علاوه بر اینکه تحقق اجرا شدن این گفتمان بسیار دور از دسترس است؛ تسری و ترویج این گفتمان، کار را برای مدیریت اصولی و واقع‌بینانه جنگل دشوار ساخته‌است. فشارهای نهادهای زیست‌محیطی که با ابزار شبکه‌های اجتماعی هر روز توسعه می‌یابد، اجازه تفکر معقولانه و مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی مستولی بر جنگل‌ها را برای مدیران اجرایی منابع طبیعی کشور سلب کرده است. به گونه‌ای که مدیران و تصمیم‌گیران ناچارند حتی در جزئی‌ترین تصمیمات فنی دخالت این کنش‌های احساسی را به نوعی اعمال نمایند تا وارد هجمه‌ها و چالش‌های رسانه‌ای آنها نشوند. از طرف دیگر عمق‌بخشی و ترویج این گفتمان، برای مجموعه کنشگران محیط زیست نیز مخرب خواهد بود. زیرا با گذشت زمان و عدم امکان اجرایی‌سازی آن دچار یأس فعالیتی خواهند شد و به مرور دست از کنشگری‌های معقولانه خود نیز خواهند کشید و رخوت و سستی بر آنها حاکم می‌شود.

بحث

بررسی دیدگاه‌های عمومی شده حاکم بر فضای مدیریت جنگل‌های شمال کشور نشان داد که در مجموع ۵ نهاد یا حوزه کنشگری در این خصوص فعالیت دارند. تنوع نهادهای کنشگری و گستردگی زیر حوزه‌های آنها و از طرفی دیدگاه‌های مختلف و متضاد در خصوص مدیریت جنگل‌های شمال از سوی این نهادها نشان می‌دهد که چگونگی سامان‌بخشی به وضعیت مدیریتی جنگل، امروزه به مثابه یک مسئله اجتماعی خودنمایی می‌کند. از منظر دانیلین لوزین جامعه‌شناس، هر گاه موضوعی علاوه بر دارا بودن شرایط منفی، حساسیت گروه‌های زیادی را در جامعه برانگیزد و امکان حل شدن آن ممکن باشد و نیز اراده‌ای برای مرتفع شدن شرایط حاکم وجود داشته باشد، به عنوان یک مسئله اجتماعی شناخته می‌شود (Loseke, 2017: 24). با در نظر گرفتن و انطباق چهار عاملی که لوزیک برشمرده‌است با موقعیت جنگل‌های شمال، می‌توان استنباط کرد که مدیریت این جنگل‌ها در تراز یک مسئله اجتماعی قرار دارد. هر کدام از نهادهای کنشگری تلاش می‌کنند با هدف کمک به مرتفع شدن شرایط منفی و رو به اضمحلال موجودیت جنگل‌های شمال، نقشی موثر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برای بهینه‌سازی فرایند مدیریت این جنگل‌ها رقم بزنند. حساسیت ایجاد شده برای گروه متنوعی از نهادهای کنشگری اگر چه فرصتی برای عمومی‌سازی و معرفی اهمیت مسئله جنگل در شمال ایران را نمایان می‌سازد، اما تضاد و تقابل بین دیدگاه‌ها فضای پرچالشی را متوجه مدیریت جنگل کرده‌است. چالشی که از سال ۹۶ تا امروز به صورت فرسایشی ادامه دار شد، به گونه‌ای که این دیدگاه‌ها در فضای تقابلی به دو دسته موافقان تنفس و مخالفان تنفس طبقه بندی می‌شود. بررسی مضامین مستخرج شده از دیدگاه‌های نهادهای کنشگری روشن می‌سازد که از ۱۳ مضمون به دست آمده تنها در چهار مضمون جایگاه زیست باستانی جنگل، اهمیت فراملی جنگل، اهمیت تنوع زیستی جنگل و مشکلات اجرایی و تشکیلاتی مدیریت جنگل اجماع عمومی در بین نهادهای کنشگری دیده می‌شود و مابقی یعنی ۷۰ درصد مضامین با تضاد دیدگاه‌ها همراه هستند. مطابق جدول ۴، بیشترین تضادها بین گزاره‌ها و در نهایت درصد تأکید بر روی مضامین، در دو نهاد سازمان‌های مردم‌نهاد و دانشگاه دیده می‌شود. به این معنی که تلقی اکثریت کنشگران این دو نهاد از چگونگی مواجهه با مدیریت جنگل بیشترین زاویه را دارد. علت این تقابل تسری نگاه ایده‌آل‌نگرانه کنشگران سازمان‌های مردم‌نهاد از یک طرف و ترویج نگاه مهجورانه تخصص‌گرایی کنشگران آکادمیک از طرف دیگر است. در این مطالعه تلاش شد برای درک یکپارچه دیدگاه‌ها، در ابتدا با استخراج گزاره‌های پراکنده و پس از آن خلاصه‌سازی در قالب مضامین و در نهایت صورت‌بندی گفتمان‌ها، دسترسی انتزاعی و منظم از تلقی‌های رایج از مدیریت جنگل‌های شمال کشور دست یابیم. جدول ۵ نشان داد که نمی‌توان گفتمان‌ها را به طور مشخص و صددرصدی به یک یا چند نهاد کنشگری خاص اختصاص داد. اگر چه سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی، باور چندانی (به جز مضمون مشکلات اجرایی و تشکیلاتی مدیریت جنگل) به گفتمان بازگشت به طرح‌های جنگل‌داری ندارند، اما دیگر گفتمان‌ها با شدت و قوت متفاوت

از سوی همه نهادهای کنشگری حمایت می‌شوند. این موضوع موید این امر است که در بین کنشگران یک نهاد (به جز سازمان‌های مردم‌نهاد)، اجماعی برای موافقت یا مخالفت با گفتمانی وجود ندارد. به طور مثال در بین کنشگران دانشگاهی عده‌ای به شدت معتقد به گفتمان بازگشت به طرح‌های جنگل‌داری و عده‌ای دیگر بر گفتمان طرح تنفس و جایگزین تأکید زیادی دارند. در گفتمان حفاظت موزه‌ای جنگل که بعد از کنشگران سازمان‌های مردم‌نهاد، کنشگران وابسته به سازمان نظارتی حفاظت محیط‌زیست نیز به آن اشاره دارند، در بهترین حالت در عمل همان سبک و سیاق مدیریت مناطق تحت حفاظت این سازمان قابل اجراست که اتفاقاً در نگهداشت و حفاظت مناطق چهارگانه خویش نتوانسته موفق عمل کند. زیرا بر اساس گزارش عملکرد زیست‌محیطی سال ۲۰۲۲، ایران در شاخص تنوع زیستی و حفاظت از زیستگاهها در بین ۱۸۰ کشور، رتبه ۱۵۰ را در اختیار دارد (Wolf et al., 2022). لذا پیداست که واسپاری مدیریت جنگل‌ها بر اساس تجربه حفاظت سازمان حفاظت محیط‌زیست نمی‌تواند چشم انداز چندان روشنی را متصور بود. اگرچه وقتی از مدیریت جنگل صحبت می‌شود، لاجرم باید از تدوین و اجرای طرح جنگل‌داری سخن به میان آید و این رویه‌ای مرسوم و متعارف در دانش جنگل‌داری است (McDill, 2014)، اما عدم پایش اصولی، بازنگری و به روزرسانی این طرح‌ها مبتنی بر تحولات زیست‌محیطی و اجتماعی و اقتصادی که هم در تدوین و هم در اجرای طرح‌های جنگل‌داری اجرا شده به وضوح دیده می‌شود، گفتمان بازگشت به طرح‌های جنگل‌داری را گفتمانی پرچالش و غیر قابل دفاع کرده‌است. دعوت به نقد این گفتمان زمانی پیچیده می‌شود که بسیاری از کنشگران دانشگاهی، فرایند مدیریت جنگل را امری بدیهی معطوف به تخصص جنگل‌داری تلقی می‌کنند و لذا اجازه بازاندیشی فعالانه این گفتمان را به خود نمی‌دهند، چه برسد به اینکه دیگرانی خارج از تخصص جنگل‌داری را واجد صلاحیت نقادی آن بدانند. از همین رو به نظر می‌رسد این گفتمان در سایه آموزه‌های محصور شده در گفتمان رشته‌ای آن‌هم توسط متخصصانی خاص، مهجور در آکادمی‌ها بماند. این اندیشه‌های غیرواقعی‌بانه نیز در این نوع کنشگران وجود دارد که اگر ساختار تشکیلاتی مدیریت جنگل‌ها در سایه شکل‌گیری وزارت منابع طبیعی محقق شود، تنها مشکلات طرح‌های جنگل‌داری که به گمان آنها نحوه اجرای طرح بوده است مرتفع خواهد شد. تأکید و اصرار بدون پشتوانه نقادانه‌ای که گفتمان بازگشت ترویج می‌دهد، آنقدر برای دو گفتمان دیگر به خصوص گفتمان حفاظت موزه‌ای جنگل، غیر قابل درک است که کنشگران آن حتی استفاده از واژه «طرح جنگل‌داری» را بر نمی‌تابند تا جایی که کاربست آن توسط نهاد دانشگاه را تلقی‌ای غیرعلمی و عقب مانده تصور می‌کنند. همانطور که در آخرین گزاره مضمون برنامه‌های اجرایی طرح تنفس جنگل آمده است (جدول ۲)، تدوین طرح جایگزین طرح‌های جنگل‌داری، بر مبنای رویکرد و مدل مدیریت پایدار منابع طبیعی هیرکانی است.

مدل مدیریتی مدیریت پایدار منابع طبیعی هیرکانی به عنوان مناسب‌ترین و ممکن‌ترین نوع مدیریتی است که در خلال گفتمان طرح تنفس و طرح جایگزین جاری است و در همین راستا مطالعات نیمه تفصیلی و تفصیلی آن چند سالی است در دست تدوین است. آنچه در شرح خدمات تدوین این مدل مدیریتی بیان می‌شود، هیچ پیوند ارگانیکی با دغدغه‌هایی که این گفتمان بر اساس آن بنیان نهاده شد دیده نمی‌شود. در واقع مدل یاد شده مدل کهنه و آرمانی است که سالها در علوم محیط زیست و بحث آمایش سرزمین (Makhdoom.2017: 12) تدوین می‌شود اما هرگز در پهنه‌های سرزمینی کشور قدرت اجرایی پیدا نکرده‌است. هر چند طیف گسترده‌ای از پژوهشگران عدم اجرای آن را به مسائل مدیریتی و سیاسی مرتبط می‌دانند (Salehi et al. 2009; Sharifzadegan et al. 2010; Soltani. 2013; Hataminejad, E., & Amoo. 2019)، اما در واقعیت مشکل اصلی در نوع تدوین و عدم انطباق آن با شرایط محیط زیست کشور است، نه عدم اراده سیاسی و مدیریتی برای اجرای آن. به همین دلیل پیشاپیش روشن است که مدل مدیریتی یاد شده با صرف هزینه‌های سنگینی که برای تدوین آن خرج شده و می‌شود، امکان اجرا شدن ندارد. اتفاقاً تجربه ناموفق تدوین و اجرایی نشدن مدل مدیریتی یاد شده در دهه ۶۰ در جنگل‌های خارج از شمال وجود دارد که البته نادیده گرفته می‌شود. گویا همان تفکر و رویه جزم اندیشه‌ای که در مورد تهیه و اجرای طرح‌های جنگل‌داری وجود داشته است، اینبار بناست در قالبی دیگر به نام طرح جایگزین و مدیریت پایدار منابع طبیعی هیرکانی تجربه شود.

توصیه های سیاستی

در مجموع آنچه همچون سایه ای بزرگ بر شاخه سه گفتمان مدیریتی جنگل های شمال کشور افراشته شده است، رویکردی تقلیل گرایانه از مسئله جنگل و جنگل داری در ایران است. مسئله ای اجتماعی که درک آن بدون برخورداری از فهم مسئله شناسانه (Fazeli, 2019: 23) در پرتو چشم اندازی میان/فرارشته ای ممکن نیست. در چنین چشم اندازی است که نمی توان بدون پیوست و پیوند ارگانیک مسائل فنی جنگل شناختی با مسائل اجتماعی در زمینه و بافت فرهنگی و تاریخی مدیریت جنگل، از فهم وضعیت حاکم بر جنگل ها صحبت به میان آورد، حال چه رسد به اینکه قادر باشیم برای برون رفت از شرایط موجود راهبرد و راهکاری تجویز نماییم. واقعیت این است که جنگل داری در ایران و به طور خاص در جنگل های شمال، از درد سطحی نگری و بخشی نگری رنج می برد. رنجی که ریشه آن در عدم صورت بندی واقع بینانه از ابعاد چندگانه مدیریت جنگل است. یکی از مصداق بارز این سطحی نگری، نسخه پیچی آسان بر مدار طرح های جنگل داری بود، در حالی که ما شناخت بسیار حداقلی از ویژگی های جنگل شناسی جنگل های هیرکانی در دست داشتیم و هنوز داریم. تقلیل گرایی یاد شده باعث شد تا کنزاکردهایی چون مدیریت گرای و مهندسی گرای بر پیکره این جنگل ها برای سالها تداوم داشته باشد و گویا با همین روندی که در تدوین طرح جایگزین پیش بینی شده است آینده نیز چنین خواهد بود و این مسیری است که برای هر چه بیشتر تخریب جنگل های شمال در حال هموار شدن است. مسیری که می رود تا با مسیر سالها تخریب جنگل های خارج از شمال و به خصوص زاگرس متصل شود. با نگاه ایدئولوژیک زده سوار بر دایره تخصص جنگل داری کلاسیک، قادر نبوده ایم و قطعاً نیستیم تا برنامه ای انعطاف پذیر برای حفاظت و بهره برداری از مواهب جنگل تدوین و اجرا کنیم، لذا بکارگیری گفتگوهای فعال و نقادانه، به رسیمت شناسی همه دیدگاههای کنش ورزانه و توسل به سایر علوم که مستقیم و غیرمستقیم می توانند در فرایند مدیریت جنگل نقش بازی کنند، تنها چاره و بستر گذر از وضعیت موجود جنگل داری کشور است. در این چارچوب است که امکان خلق گفتمانی فراگیر که دغدغه همه کنشگران و عموم جامعه را در ارتباط با نحوه مواجهه با جنگل های کشور از جمله جنگل های شمال را در بر داشته باشد ممکن می شود.

References:

- 1- Abedi Jafari, H., Taslimi, M. S., & Sheikhzadeh, M. (2010). Theme analysis and theme network: a simple and efficient way to explain patterns in qualitative data, *Strategic Management Thought*, (5)2, 151-198 (In Persian).
- 2- Agnoletti, M., Dargavel, J., & Johann, E. (2009). History of forestry. The role of food, agriculture, forestry and fisheries in human nutrition, 2, 1-28.
- 3- Ahrari, S., Najafi, A., & Hoseinzade Kashan, A. (2021). Predicting the deterioration of the forest road network by employing the Markov chain (Case study: Forest road in the western part of Haraz). *Iranian Journal of Forest*, 13(1), 73-85 (In Persian).
- 4- Ahrari, S., Najafi, A., Hoseinzade Kashan, A. (2021). Predicting the deterioration of the forest road network by employing the Markov chain (Case study: Forest road in the western part of Haraz). *Iranian Journal of Forest*, 13(1), 73-85. doi: 10.22034/ijf.2021.247488.1739
- 5- Armat, M. R., Assarroudi, A., Rad, M., Sharifi, H., & Heydari, A. (2018). Inductive and deductive: Ambiguous labels in qualitative content analysis. *The Qualitative Report*, 23(1), 219-221.
- 6- Elo, S., & Kyngäs, H. (2008). The qualitative content analysis process. *Journal of advanced nursing*, 62(1), 107-115.
- 7- FAO. 2020. The State of the World's Forests: Forests, biodiversity and people.
- 8- Fazeli, N. (2019). Life is all about understanding the problem, Institute for Humanities and Cultural Studies press, 409 p (In Persian).
- 9- Gutierrez Garzon, A. R., Bettinger, P., Abrams, J., Siry, J. P., & Mei, B. (2022). Forest sustainability in state forest management plans: a content analysis. *Journal of Sustainable Forestry*, 41(1), 92-113.
- 10- Habert, G., Bouzidi, Y., Chen, C., Jullien, A., 2010. Development of a depletion indicator for natural resources used in concrete, *Conservation and Recycling* (54):364-376.
- 11- Haidari, M., & Karamdoost Maryan, B. (2016). The study and policy cessation of forest utilization or forest logging in hyrcanian forests (Case study: Shafarood forests). *Iranian Journal of Forest and Poplar Research*, 24(4), 736-724 (In Persian).
- 12- Hataminejad, E., & Amoo, H. (2019). The Pathology of Iranian Land Use Planning. *Regional Planning*, 9(34), 27-38 (In Persian).
- 13- Islamic Parliament Research Center. (2014). Report of the position of the environment in the country's development plans. Vice President of Infrastructure Research and Production Affairs. 64p (In Persian).
- 14- Jahani, A., Fegghi, J., & etemad, V. (2021). Evaluation of the wood harvesting and livestock on the degradation of forest using optimized degradation model. *Forest Research and Development*, 7(2), 199-211 (In Persian).
- 15- Kalaki, H. (2008). Fundamental Theory in the Way Theorizing. *Journal of Culture-Communication Studies*, 10(6), 119-140 (In Persian).
- 16- Kalantari, S., Abaszade, M., Sadati, M., Pour Mohammad, R., & Mohammadpour, N. (2009). Discourse analysis: with the emphasis on critical discourse as a method of qualitative research.. *Sociological studies*, 2(4), 7-28 (In Persian).
- 17- Kamyab, H., & Asadolahi, Z. (2021). A study on the effects of Hyrcanian deforestation on greenhouse gases emission in Golestan Province. *Iranian Journal of Forest and Range Protection Research*, 19(1), 76-93 (In Persian).
- 18- Kinda, H., & Thiombiano, N. (2021). The effects of extractive industries rent on deforestation in developing countries. *Resources Policy*, 73, 102203.
- 19- Loseke, D. R. (2017). Thinking about social problems: An introduction to constructionist perspectives. Translated by Saeed Moaidfar, Amirkabir press 284p (In Persian).

- 20- Ma, Z., Kittredge, D. B., & Catanzaro, P. (2012). Challenging the traditional forestry extension model: Insights from the Woods Forum Program in Massachusetts. *Small-Scale Forestry*, 11(1), 87-100.
- 21- Mahmoudi, B. (2014). Forest spatial planning model with the approach of systemic analysis and human ecology in Central Zagros forests, Ph.D. Thesis, University of Tehran, 220 p. (In Persian).
- 22- Mahmoudi, B., Feghhi, J., & Makhdoom, M. (2020). Spatial Forest Resources Planning Model: A New Strategy for Iranian Forest Planning. *Environment and Development*, 11(21), 45-56 (In Persian).
- 23- Mahmoudi, B., Marvie Mohadjer, M. R., Danehkar, A., & Feghhi, J. (2014). Estimating of forest cover changes in topographic zones in Mazandaran Province. *Journal of Natural Environment*, 67(3), 333-341 (In Persian).
- 24- Makhdoom, M. (2017). Foundation of land use planning. Tehran University Press, 289 p. (In Persian).
- 25- McDill, M. E. (2014). An overview of forest management planning and information management. The management of industrial forest plantations, 27-59.
- 26- Mojabi, S. M. (2016). Report on the state of the environment in Iran and the world and describe the functions. Department of Environment. 67 p (In Persian).
- 27- Mostafa, M., Espahbodi, K., Hatami, N., & Asadi, F. (2020). Policy management investigation of implementation and non-implementation of forestry plan in Babol Roud, Iran. *Iranian Journal of Forest and Poplar Research*, 28(2), 180-191 (In Persian).
- 28- Pearce, P. H. (1990). Introduction to forestry economics. UBC Press.
- 29- Sagheb-Talebi K, Pourhashemi M, Sajedi T. 2014. Forests of Iran: A Treasure from the Past, a Hope for the Future. Springer.
- 30- Salehi, E., & Pourasghar, S. F. (2009). An Analysis of Challenges Facing Territorial Management in Iran. *Strategy*, 17(3), 149-151 (In Persian).
- 31- Seeland, K., Schmithusen, F., 2000. Man in the forest, published by: D.K. Printwood in India, 372p.
- 32- Shamekhi, T. (2016). Regulation & Administration of Natural Resources (Forest and Rangeland). University of Tehran press, 463p (In Persian).
- 33- Sharifzadegan, M. H., & Razavi Dehkordi, S. A. (2010). Evaluation of National Strategic Spatial Planning Process in Iran with Recommendations for Improvement. *Environmental Sciences*, 7(4), 87-100 (In Persian).
- 34- Shirzadi Laskookalayeh, S., Amirnejad, H., & Hoseini, S. (2021). The Investigation on the economic and social consequences of forest logging in Mazandaran Province. *Iranian Journal of Forest*, 12(4), 491-506 (In Persian).
- 35- Shirzadi Laskookalayeh, S., Amirnejad, H., & Hosseini, S. (2022). Identification strengths, weaknesses, opportunities and threats and offering management strategies for forest logging and forest logging ban. *Environmental Sciences*, 20(2), 135-154 (In Persian).
- 36- Siry, J. P., Cabbage, F. W., & Ahmed, M. R. (2005). Sustainable forest management: global trends and opportunities. *Forest policy and Economics*, 7(4), 551-561.
- 37- Sivaramakrishnan, K. (2021). Modern Forestry: Trees and Development Spaces in South-west Bengal, India. In *The Social Life of Trees* (pp. 273-296). Routledge.
- 38- Soltani, N. (2013). Evaluation land use planning projects face obstacles in Iran integrate approach. *The Journal of Spatial Planning*, 17(3), 63-84 (In Persian).
- 39- Stoyan, D., & Penttinen, A. (2000). Recent applications of point process methods in forestry statistics. *Statistical science*, 61-78.
- 40- Tabrizi, M. (2014). Qualitative content analysis from the perspective of deductive and inductive approaches. *Social Sciences*, 21(64), 105-138 (In Persian).
- 41- Tenorio, E. H. (2011). Critical discourse analysis, an overview. *Nordic journal of English studies*, 10(1), 183-210.
- 42- Torres-Rojo, J. M., Moreno-Sánchez, R., & Mendoza-Briseño, M. A. (2016). Sustainable forest management in Mexico. *Current Forestry Reports*, 2(2), 93-105.
- 43- Von Gadow, K., Pukkala, T., & Tomé, M. (Eds.). (2001). Sustainable forest management (Vol. 1). Springer Science & Business Media.
- 44- Wenger, K. F. (Ed.). (1984). Forestry handbook. John Wiley & Sons.
- 45- Wolf, M. J, Emerson, J. W., Esty, D. C., de Sherbinin, A., Wendling, Z. A., et al. (2022). 2022 Environmental Performance Index. New Haven, CT: Yale Center for Environmental Law & Policy. epi.yale.edu.